

هویت دینی و دشمنی استکبار

حجة الاسلام حمید نگارش

از دیدگاه صاحب نظران، مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی، که آن را از دیگر حرکت‌های انقلابی معاصر، متمایز می‌سازد، هویت دینی و رسالت فرهنگی آن است. این رسالت خطیر، با ارائه الگویی عملی و عینی به جهان بشریت انجام گرفت؛ الگویی که در آن ارزش‌های الهی و انسانی بر روابط فردی، اجتماعی و حکومتی احاطه دارد و مسیر حرکت را به گونه‌ای طرّاحی می‌کند که هر انسانی با حرکت در آن مسیر، امکان دست‌یابی به هویت واقعی خویش را پیدا می‌کند.

با توجه به همین ویژگی اختصاصی است که حکومت اسلامی به عنوان برترین نظام سیاسی، پاسخ‌گوی همه نیازهای معنوی و روحی انسان، تلقی می‌شود.

اما استکبار جهانی به سردکردگی آمریکا در مقابل این انقلاب بزرگ، به مقابله برخاست و برای محو آن و آثارش از هیچ کوششی دریغ نکرد. تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی هشت ساله، تقویت گروهک‌های محارب و... از جمله این تلاش‌ها بودند.

اما در حال حاضر، استراتژی‌های غرب، برای مبارزه با انقلاب اسلامی و پیام فرهنگی آن پیچیده‌تر و وارد مرحله بسیار حسّاس‌تری شده است. هنگامی که امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا، در حرکت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی علیه انقلاب اسلامی به موفقیت چشم‌گیری دست نیافت و استراتژی کوتاه مدّت را برای

ضربه زدن به انقلاب اسلامی ناتوان دیده به فکر استراتژی، بلند مدت جهت مقابله با آن افتاد. این استراتژی استحاله فرهنگی در جهت از بین بردن هویت دینی و ایجاد انقطاع فرهنگی بین نسل اول و دوم انقلاب بود که به عنوان بهترین و کارآمدترین روش در این زمینه انتخاب شد؛ روشی که در نوع خود، کم نظیر بوده، از کارآیی بالایی برخوردار می باشد. هجوم جدید غرب به فرهنگ ها و باورهای دینی ملت ها از جمله ملت ایران، تشویش خاطر و پریشانی را دو چندان کرده است. غربی ها با طرح نظریه دهکده جهانی «مک - لوهان»^(۱) و امثال آن، زمینه را برای پذیرش فرهنگ خود در سراسر دنیا مهیا نموده اند. بر اساس فرضیه دهکده جهانی که به واسطه فن آوری غرب در سراسر جهان تبلیغ می شود، جهان، مجموعه واحدی خواهد شد که مردم سراسر آن ناگزیرند بر اساس شیوه ای که اقتضای این سیطره جهانی است، بیندیشند و هویت دینی و ملی خود را ترک کنند و با ایجاد زمینه انقطاع نسبت به باورها و هویت دینی خود، فرهنگ همگانی غرب در دهکده جهانی را به عنوان یگانه فرهنگ بپذیرند.

این مقاله در صدد تبیین این نکته است که تنها راه مقابله با این شگردهای جدید دشمن، بازگشت به هویت دینی و فرهنگی خویش است. فرزندان این مرز و بوم بدانند فرهنگ اسلامی به مصداق ضرب المثل معروف ایرانی که «هر که زر دارد دشمن در بردارد»، به دلیل برخورداری از یک اندیشه دینی و ملی قوی و پایدار همواره مورد تهاجم بیگانگان بوده است. پس باید به خود آسیم و به خود، تاریخ و شناسنامه و نسب تاریخی خود افتخار کنیم و ندای بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی را نه تنها در جامعه بلکه در جهان طنین انداز کنیم. و کلام امام راحل را آویزه گوشمان قرار دهیم که فرمود:

«امروز، جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) است.»^(۲)

هویت و ضرورت تبیین آن

هویت (Identity) در اصطلاح جامعه شناختی، کوشش فرد است به منظور تحقق یکتایی خویشتن، در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است.^(۳) به عبارت دیگر هویت، مجموعه عناصری از شخصیت فرد است که به وی امکان می دهد تا

موضع خود را نسبت به جهان و دیگران مشخص کند. هویت داشتن؛ یعنی تصویر روشنی از چگونگی بودن که ریشه در گذشته داشته، در حال حاضر ادامه دارد و به آینده دور نیز نظر دارد. هویت از یک منظر، نگرشی به خود و از منظر دیگر، نگرشی به رون است که به رابطه بین خود و دیگران مربوط می شود و سرانجام، هویت هر فرد، تصویری است که انسان از خویشتن واقعی خویش می یابد.

نیاز به داشتن هویت، آن چنان بر روان و اندیشه انسان به ویژه جوانان مسلط می شود که او را به تکاپوی خستگی ناپذیر در راه کسب آن وا می دارد. آرمان گرایی، عشق و محبت، تشخص طلبی، رقابت، هنر نمایی، استقلال طلبی و بسیاری دیگر از مشخصه های نوجوانی و جوانی از شاخصه های مهم این حرکت می باشد. از این رو، روان شناسان در بحث بحران هویت جویی، نیاز جوان به هادی و راهنما را ضروری می دانند تا در مسیر حرکت برای کسب هویت، دچار انحراف نشود.

جوانان برای کسب هویت، از عوامل گوناگونی چون خانواده، نهادهای پرورش، تغییر و تحولات اجتماعی، فشارهای فرهنگی، رسانه های گروهی و مطبوعات متأثر می باشند که دو عامل نخست، بیشترین و پایدارترین تأثیر و نقش را در این میان بر عهده دارند. جوانان و نوجوانانی که از معرفت به هویت خویشتن برخوردارند و یا آن را به مدد ارتباط با مربیان فرهنگی خود احراز می کنند، توان تحلیل و تفسیر رویدادهای فرهنگی و در نتیجه مقابله با تهاجمات فرهنگی را نیز کسب می کنند و به افرادی قدرتمند و نفوذناپذیر تبدیل می گردند. به همین دلیل، ضرورت تلاش برای شناساندن هویت نوجوانان آشکار می گردد.

هویت دینی

هر رفتار و سلوکی که ریشه در وحی داشته باشد، دارای هویت دینی است. به عبارت دیگر، هویت دینی پس از تحکیم ارتباط انسان با عالم وحی و خداوند و قبول حاکمیت الهی، در وجود انسان و جامعه شکل می گیرد. پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان و هدف دینی شکل می گیرد. هویت دینی همواره به انسان می نمایاند که طبیعت، بخش نازل هستی است و هستی، بخش برتری نیز دارد که

بر طبیعت نیز تأثیر می‌گذارد. طبیعت در تعبیرهای اسلامی، به آیت، یا نشانه یاد شده است که از بخش دیگر عالم، حکایت می‌کند.

با نگرش انسان به عالم هستی از منظر دین، هیچ‌گاه آدمی از باطن امور - که نقش تعیین‌کننده نسبت به ظاهر دارد - غافل نمی‌شود و پندار، گفتار و رفتار خود را با جهان بینی الهی، تطبیع می‌دهد. در جهان بینی غیر دینی - که در آن فرد و جامعه فاقد هویت دینی است - فرد به دنبال خواسته‌هایی است که بدون ارتباط با عالم غیب و بدون توجه به راهنمایان دینی و تنها به کمک عقل ناقص و تمایلات شخصی به آن رسیده است. در چنین جوامعی الگوها و اسوه‌های ایده آل به سرعت تغییری می‌کنند و هر کس رأی خود را میزان عملکردها قرار می‌دهد. در این منظر، هدایت الهی هیچ جایگاهی ندارد.

جایگاه انسان در هویت دینی، جایگاه خلیفه اللّهی است و انسان به عنوان خلیفه اللّهِ در عالم حضور دارد و سر منزل و مقصود عالم نیز برای او مشخص است. امروزه صاحبان فن آوری معاصر با ابداع فرهنگ‌های تهاجمی، سعی در مقابله با هویت دینی انسان‌ها دارند و منکر هر گونه ارتباط قدسی در عالم موجود هستند. بدیهی است که اولین وظیفه مسئولان و دلسوزان امور فرهنگی جامعه، توجه به این امر مهم و پیش‌گیری از کم‌رنگ شدن این ارتباط و در نتیجه از بین رفتن هویت دینی در بین اقشار جامعه - به ویژه نسل جوان - است.

پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت بسیار خوبی را فراهم آورد تا جوانان در پرتو جاذبه‌های معنوی آن، رشد و بالندگی و اعتلای فرهنگ و هویت دینی را تجربه کنند و توشه آخرت برگیرند. دوران جوانی، مرحله حساسی از زندگی انسان است که طی آن تحولات جسمانی، نوسان‌های عاطفی، تمایلات غریزی، تعارض‌های درونی به طور دائم ذهن و روان جوان را به خود مشغول می‌سازند و در مسیر اعتلای فرهنگ و هویت دینی آنان پرده ابهام می‌افکند. انقلاب اسلامی با احیای فرهنگ، هویت دینی و تفکر مذهبی، شخصیت نسل جدید و حضور فعال آنان و مردم را در صحنه‌های مختلف اجتماعی تثبیت و تضمین نمود. بدیهی است که این ثمره انقلاب، مورد پسند دشمنان و بیگانگان نبود، و در صدد ضربه زدن به آن برآیند. امام خمینی (ره)

می‌فرماید: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان تا کجا ما را تحمّل می‌کنند؟ و به یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند و چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لگه‌دار نمایند.»^(۴)

باید اعتراف کرد که توسعه و گسترش فرهنگ دینی انقلاب، هر چند با پیشرفت‌های مادی تمدن غرب هیچ منافاتی نداشت، اما وجود تضاد ذاتی بین فرهنگ زیاده‌خواه و مادی غرب و فرهنگ اسلامی، سیاست‌گذاران غرب را بر آن داشت تا در مقابل فرهنگ اسلامی به مقابله برخیزند و آخرین روش غرب در این رویارویی، استحالهٔ فرهنگی جوانان و بی‌هویت ساختن آنان است. در مقابل این تهاجم، آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خود، بهترین راه در امان ماندن از ضربات سخت و مهلک است. در این صورت، آنان با عجز ساختن معنویت و روح دین با روان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی در امان خواهند ماند، بلکه جامعهٔ بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ سازی دینی یاری خواهند کرد.

برای آشنایی با هویت دینی لازم است شاخصه‌های آن شناخته شود. اینک این مشخصات به اختصار توضیح داده می‌شود.

شاخصه‌های هویت دینی

۱- اعتقادی:

۱- ۱: اعتقاد به خدا: از مهم‌ترین مباحث هستی‌شناسی، بحث خداشناسی و اعتقاد به وجود خداست. اعتقاد به یک مبدأ متعالی از کهن‌ترین مظاهر حیات انسانی است. انسان از سپیده دم تاریخ به حکم فطرت پاک خدادادی، اولین و اساسی‌ترین باور دینی، یعنی اعتقاد به خدا را در وجود خود داشته و می‌دانست این اعتقاد، هر اندازه در عمق جان انسان بیش‌تر رسوخ کند در تصحیح انگیزه‌ها، هدف‌ها، آرزوها، اندیشه‌ها

گفتار و حتی اعمال و رفتار وی تأثیر بیش‌تری می‌گذارد.

از سوی دیگر، مهم‌ترین انگیزهٔ بعثت پیامبران، نفی شرک، اثبات توحید و اعتقاد به خدای یگانه بوده است و دعوت رسول‌گرامی اسلام حضرت محمد (ص) با شعار «الْإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آغاز شده است.

۲ - ۱: اعتقاد به معاد: یکی از شاخصه‌های مهم اعتقادی در هویت دینی، ایمان و اعتقاد به معاد می‌باشد. از آن جا که باورها و اعتقادات آدمی نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی و رفتار انسان‌ها دارد، اعتقاد به معاد نیز آثار و پوی آموهای مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. می‌توان گفت اعتقاد به معاد منشأ‌گرایش انسان‌ها به فضایل اخلاقی است. مهربانی به دیگران، راستگویی، مبارزه با ظلم، استقامت در راه دین و... همه از آثار ایمان به معاد است.

مسأله معاد و یادآوری آن در تعالیم انبیاء، بخصوص پیامبر بزرگوار اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قرآن کریم نیز مکرر انسان‌ها را به برپایی قیامت تذکر داده است.^(۵) و از آن جا که بسیاری از اعمال انسان‌ها در این سرا بدون پاداش می‌ماند، عدالت اقتضا دارد که جهان دیگری باشد تا در آن، انسان‌ها به پاداش و سزای اعمال خود برسند.

۳ - ۱: اعتقاد به پیامبر خاتم (ص): از منظر جهان‌بینی الهی، انسان نیازمند هدایت الهی است که از طریق انبیا انجام می‌گیرد. عالم هستی، هدفی را دنبال می‌کند. انسان نیز جزئی از عالم هستی است، اما چه بسا به دلیل اعمال ناشایست خود، این هدف را گم کرده باشد. در این صورت پیامبران مأمور می‌شوند تا به او تذکر دهند و راه صحیح زندگی و نیز آیندهٔ او را به او یادآوری کرده و فطرت پاکش را به یادش آورند و او را در مسیر تکامل و حقیقت راهنمایی کنند.

اعتقاد به این که «خداوند برای هدایت انسان از بین خودشان پیامبرانی را برگزید که نخستین آنان حضرت آدم (ع) و آخرین آنان پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد و همراه عده‌ای از آنان کتاب فرستاد» از ضروریات دین اسلام می‌باشد.

۴ - ۱: اعتقاد به ائمهٔ معصومین (ع): امامت همواره به عنوان مهم‌ترین شاخص مذهب تشیع در طول تاریخ اسلام، مطرح بوده است. به دنبال اعتقاد به نبوت - که ابلاغ

احکام الهی و تعلیم مکتب بود. وظیفه عمده امامت یعنی مسئولیت تبیین احکام الهی و جهت‌دهی دادن به کارها روشن می‌گردد. گفتنی است که در وادی دین و سلوک، شناخت اسوه‌ها و آشنایی با الگوها ضروری است. اهل بیت عصمت و دست‌پروردگان آنان بهترین‌ها می‌باشند. بی‌تردید بعد از امامان معصوم (ع) عالمان راستین، چراغ‌های فروزانی هستند که می‌توان از فروغ آنان در راه زندگی بهره‌جست و از رفتار و خصلت‌هایشان درس چگونه بودن را آموخت.

۲- شاخصه‌های اخلاقی

۱- ۲: توکل: از شاخصه‌های مهم اخلاقی در هویت دینی، توکل به خداوند است. توکل در فرهنگ اسلامی جایگاه بس خطیری دارد. توکل داشتن، یعنی این که انسان خداوند را ملجأ و پناهگاه واقعی خویش بداند و در همه امور به او تکیه کند. پیدایش این حالت در روح آدمی از معرفت انسان به ربوبیت الهی نشأت می‌گیرد. یعنی اگر انسان، خدا را مالک و صاحب اختیار هستی بداند و تنها او را فاعل مؤثر، قلمداد کند، در واقع به او توکل کرده است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که انسان برای پیشرفت امور دنیوی خود، وکیل اختیار می‌کند و بسیاری از امور را برای رسیدن به نتایجی روشن‌تر به او واگذار می‌نماید، بنده خدا نیز در همه امور زندگی باید به خدا تکیه کند تا خواسته‌هایش تأمین گردد. در عصر حاضر، امام خمینی (ره) نمونه یک انسان برجسته الهی بود که در همه حالات زندگی، به خدا توکل داشت. یکی از نویسندگان مسیحی درباره حالت اطمینان و توکل امام می‌گوید:

«خیلی چیزهای انقلاب ایران من را جذب کرد، ولی مهم‌تر از هر چیز خاطره من از رهبر انقلاب ایران. من با این که خیلی از شخصیت‌ها و سیاستمداران جهان را دیده‌ام؛ اما تاکنون کسی را مانند وی این‌گونه مطمئن و آرام ندیدم؛ با وجود این که مردی انقلابی و خستگی‌ناپذیر است ولی گویا دنیایی از آرامش و اطمینان او را همراهی می‌کند.» (۶)

۲- ۲: تواضع: تواضع از دیگر ویژگی‌ها و صفات اخلاقی یک فرد مسلمان است که دین مبین اسلام در مورد این خصلت انسانی تأکید زیادی دارد. کتاب آسمانی قرآن که

زبان اسلام است دربارهٔ تواضع می‌فرماید:

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (۷)

بندگان خاص خدا کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند به آن‌ها سلام می‌گویند. (با بزرگواری می‌گذرند.) موضوع تواضع از ابعاد مختلفی قابل بررسی و تبیین می‌باشد، اما شاخص‌ترین آن‌ها با توجه به موضوع مقاله، بررسی بعد اجتماعی به ویژه در نحوه برخورد با مردم می‌باشد که به آن اشاره می‌شود.

روایت شده است که عیسی بن مریم (ع) فرمود: ای حواریین و یاران من! نیاز و حاجتی را با شما در میان می‌گذارم، می‌خواهم آن را برآورده سازید. گفتند: یا روح الله! نیاز شما برآورده است. عیسی پیامبر از جا برخاست، پاهای حواریون را شست و فرمود: هدف من از ارائه تواضع خود این بود که شما نیز به نوبه خود مانند من با مردم برخورد کنید. این روایت، گویای آن است که پیامبر خدا با آن مقام و موقعیت، خدمتگزاری به مردم را اصل قرار می‌دهد و بر منزلت و جایگاه آنان ارج می‌نهد. فروتنی و تواضع در برخورد با مردم، سبب بارز امام خمینی (ره) بود. ایشان تنها رهبر یک انقلاب بزرگ در جهان بود که همواره مسئله احترام به مردم را گوشزد می‌نمود. مقام معظم رهبری در فرازی دربارهٔ تواضع امام (ره) می‌فرماید:

هر وقت از مردم صحبت می‌شد خودش را کوچک‌تر می‌انگاشت و در مقابل احساسات و ایمان و شجاعت و عظمت و فداکاری مردم، سر تعظیم فرود می‌آورد و خاضعانه می‌گفت: مردم از ما بهترند. گاهی در مقابل کارهایی که به نظر مردم معمولی می‌آید، آن روح بزرگ و آن کوه ستبر، تکان می‌خورد و می‌لرزید. هنگام جنگ، بچه‌های مدرسه در نماز جمعه تهران، فلک‌های خود را شکسته بودند و پول‌هایش را برای جنگ هدیه کرده بودند. فردای آن روز که خدمت امام رسیده بودم، ایشان را در حالی که چشم‌های خدا بینش از اشک پر شده بود دیدم. به من فرمودند: کار این بچه‌ها را دیدی؟ به قدری این کار به نظرش عظیم آمده بود که او را متأثر ساخته بود. (۸)

۳- شاخصه‌های سیاسی (۹)

۱- ۳: دشمن شناسی: در دین مبین اسلام دشمن شناسی از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. این موضوع آن قدر اهمّیت دارد که بخشی از آیات قرآن و روایات به آن پرداخته است و در ضمن داستان‌های متعدّدی، چهره‌ها، شیوه‌ها و انگیزه‌های دشمنان جبهه توحید را در شکل‌های گوناگون مطرح می‌نماید. بی تردید انقلاب بزرگی هم چون انقلاب اسلامی ایران که ریشه‌های حاکمیت طاغوت را از بیخ و بن برکند، برای حفظ و تداوم حرکت خود باید دشمنان خود را به خوبی شناسایی کند تا بتواند در برابر حملات و شگردهای خاصّ آنان به خوبی ایستادگی نماید.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

از پیروزی انقلاب تا امروز همه تلاش امام عزیزمان و دیگر کسانی که در راه آن بزرگوار حرکت می‌کردند بر حسب امکان و توانایی وینش، این بوده است که معلوم شود در دنیای امروز برای مسلمانان و جامعه اسلامی ایران و پایه‌های عدل و حق، چه تهدیدی از همه بالاتر و چه دشمنی از همه خطرناک‌تر است. نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد... نباید تصوّر کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است. (۱۰)

با غلبه انقلاب اسلامی بر حاکمیت طاغوت، دشمنی آمریکا با توجّه به از دست دادن منافع خود در منطقه، ابعاد گسترده تری پیدا کرد و این گستردگی آن قدر فزونی یافت که به عنوان دشمن اصلی انقلاب، قلمداد گردید.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

همه ملت ما دشمن شماره یک خودش را امروز آمریکا می‌داند و آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان می‌باشد. (۱۱)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

امروز دشمنی اردوگاه استکبار جهانی با ایران اسلامی به خاطر اسلام است. آن‌ها با اسلام دشمن هستند که بر جمهوری اسلامی فشار وارد می‌کنند. آن‌ها با زنده شدن قرآن دشمن هستند که با ملت ایران، دشمنی می‌کنند و همه ملت‌های مسلمانی که در

راه اسلام، مایل به فداکاری و حرکت هستند باید برای مقابله با دشمنان اسلام خود را آماده کنند. ما ملت ایران از این حقیقت به خود می‌بالیم که به خاطر خدا و به خاطر قرآن، مورد کینه و عداوت مستکبران و گردنکشان عالم قرار گرفته‌ایم واللّه که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران به قدر مسلمان بودن و پای بندی به اسلام ناب محمدی (ص) ناراحت نیست. (۱۲)

در فراز دیگری می‌فرمایند:

مذاکره با آمریکا یعنی معامله با آمریکا و معامله یعنی داد و ستد یعنی یک چیزی بگیر و یک چیزی بده. آن چیزی که شما می‌خواهید بدهید به آمریکا تا در مقابل از او چیزی بگیرید آن چیست؟ ما چه چیزی می‌توانیم به آمریکا بدهیم و او از ما چه می‌خواهد؟ می‌دانید او از ما چه می‌خواهد «وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ». (۱۳) واللّه که آمریکا از ملت ایران از هیچ چیزشان به قدر مسلمان بودن و پای بندی به اسلام ناب محمدی (ص) ناراحت نیست. من با مذاکره با آمریکا مخالفم و دولت جمهوری اسلامی بدون اجازه من امکان ندارد چنین کاری را بکند و خودشان هم قاعدتاً با چنین کاری موافق نیستند. (۱۴)

کوتاه سخن آن که شناخت دشمن از مهم‌ترین گام‌های تداوم مبارزه پیروزمندانه می‌باشد و امام خمینی و مقام معظم رهبری در طول نهضت همواره بر این نکته اساسی، تأکید می‌ورزیدند و معتقد بودند چنان‌که شناخت و آگاهی، زمینه پیروزی را فراهم می‌کند غفلت و نداشتن شناخت نسبت به دشمن نیز زمینه استعمار و از بین رفتن فرهنگ دینی را فراهم می‌کند.

هویت دینی از منظر امام و مقام معظم رهبری

از مهم‌ترین نقشه‌های دشمنان انقلاب به ویژه آمریکا، از خود بیگانگی و به عبارتی دیگر، هویت زدایی ملت‌ها می‌باشد. آنان به خوبی دریافته‌اند که ملت‌ها بر اثر وابستگی فکری و نداشتن استقلال فرهنگی پذیرای هر گونه زمینه‌های استعماری خواهند شد. امام راحل (ره) به خوبی دریافته بودند که مشکل بزرگ مسلمانان از خود بیگانگی و خودباختگی می‌باشد و به همین دلیل، راه مقابله با این شگرد دشمن را دست یابی به

هویت اصیل می‌دانستند. امام (ره) نیک می‌دانستند دشمن مکار تا از بین بردن کامل هویت دینی و ارزش‌های معنوی از پای نخواهد نشست؛ از این رو، در برخورد با دشمنان، همواره این نکته را یادآور می‌شدند که آن‌ها مرز استقلال و آزادی ما را جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنویمان نمی‌شناسند. (۱۵) پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل، نقطه عطفی در جهت احیای هویت دینی و نفی هرگونه خودباختگی بود. امام خمینی (ره) با قیام الهی خود، این باور را در میان ملت‌های مسلمان ایجاد کرد که می‌توان با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی و هویت دینی به مجد و عظمت واقعی دست یافت.

از منظر امام (ره) خواستِ غرب بی‌هویت کردن ملت‌ها است. ایشان می‌فرمود:

پسند غرب، این است که ما همه چیزمان را تقدیمشان کنیم و بی‌چون و چرا این پسند غرب است. (۱۶)

با این نگرش امام خمینی (ره) هدف نهایی از تهاجم فرهنگی غرب، محو هویت دینی - ملی می‌باشد که در نتیجه آن، مردم هیچ‌گونه استقلالی نخواهند داشت و در این صورت غرب، قبله ملت، خواهد شد. از این رو، می‌فرمود:

وقتی بنا شد قبله یک ملتی، غرب باشد، رو به آن جا می‌ایستد و حرف می‌زند. آتاتورک، من در آن وقت در ترکیه بودم، مجسمه‌اش را دیدم که دستش را این طور دراز کرده بود گفتند آن‌هایی که آن جا بودند که دستش را طرف غرب، دراز کرده است و می‌گفت که همه چیز از آن جا باید باشد و یکی از دانشمندان ما که در زمان سابق بود و بعد هم فوت شد، او در ایران گفته بود که ما تا همه چیزمان انگلیسی نشود، نمی‌توانیم درست کنیم خودمان را... این را باید به خودمان ثابت کنیم که ما هم آدمیم؛ همه‌اش غرب نیست. (۱۷)

نقش فرهنگ در هویت جامعه

از منظر امام (ره)، فرهنگ در هویت سازی نقش مهمی دارد. ایشان معتقد بودند: فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ، ناصالح شد این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند این‌ها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ

استعماری، جوان استعماری ایجاد می‌کند. (۱۸)

امام (ره) معتقد بودند:

اگر ما موفق بشویم به این‌که فرهنگمان یک فرهنگ اسلامی بشود، مدارسمان یک مدارس اسلامی بشود، آن وقت افرادی که از آن تحقق پیدا می‌کنند و افرادی که تربیت می‌شوند در آن فرهنگ و در آن مدارس، انسان هستند. (۱۹)

از دیدگاه امام خمینی (ره) در باب فرهنگ، دو نکته قابل ذکر می‌باشد؛ نکته اول این که امام، فرهنگ را اساس هویت جامعه می‌دانستند به همین دلیل، می‌فرمود:

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه، دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مُرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار ابعاد دیگر آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند. (۲۰)

نکته دیگر توجه دادن امام (ره) به این مهم بود که فرهنگ ترویجی غرب و دشمنان، غیر از فرهنگی است که خود قبول دارند و از آن پیروی می‌کنند و به عبارت دیگر، امام خمینی (ره) معتقد بودند آنچه برای دشمنان به ویژه غرب مطرح می‌باشد آن است که کشورهای دیگر را به هر طریق ممکن، از فرهنگ غنی خویش، دور کرده، به سوی ابتذال و بی‌هدفی بکشانند.

استفاده از امور تخدیرکننده، هم چون فیلم‌ها و صحنه‌های شهوانی و وارد کردن مواد مخدر با قیمت ارزان برای نابودی نسل جوان تنها نمونه‌هایی از این حرکت گسترده دشمن می‌باشد.

از این رو امام (ره) می‌فرمود:

باید در فرهنگ، توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. ما گم کرده‌ایم خودمان را. تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشته‌ایم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب آن هم نه آنی که آن‌ها دارند، آنی که به ما می‌دهند. اگر آنی که آن‌ها داشتند بسیار خوب، اما آنی که به ما تحویل می‌دهند... نمی‌خواهد برای ما فرهنگ درست

کند. این می‌خواهد یک فرهنگ غربی درست کند که در خدمت غرب باشد... هر چند از غرب برای ما می‌آید یا از شرق برای ما می‌آید آنانی است که ما را تباه کرده‌است. (۲۱)

مقام معظم رهبری نیز در اهمیت مسائل فرهنگی و فرهنگ می‌فرمایند:

مسائل فرهنگی از مسائل اقتصادی اهمیتش به مراتب بیشتر است؛ چون مسائل فرهنگی در مسائل اقتصادی تأثیر قطعی دارد. فرهنگ در کیفیت و رشد و شکوفایی و همه چیز تأثیر دارد. (۲۲)

با تبیین دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری این نکته معلوم می‌شود که گسترده‌ترین جبهه‌ای که مخالفان انقلاب در این عصر گشوده‌اند و بعد از شکست‌های پی‌در پی در صحنه‌های گوناگون به آن دل بسته‌اند نفوذ در جبهه فرهنگی است. آنان می‌خواهند از کانال فرهنگ، اندیشه‌ها را تخدیر کنند و افکار را به سمتی سوق دهند که با پای خویش به نفع آرمان‌ها و در راه منافع آن‌ها گام بردارند و هویت دینی را به هویت غیر دینی، تبدیل کنند.

شهید مطهری می‌نویسد:

استعمار سیاسی و اقتصادی، آنگاه توفیق حاصل می‌کند که استعمار فرهنگی توفیق به دست آورده باشد و بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ خودشان شرط اصلی این موفقیت است. استعمار، دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده است که فرهنگی که مردم به آن تکیه می‌کنند فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است. پس مردم از آن اعتقاد و از آن ایمان و از آن اعتماد و حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته شدن طبق الگوی غربی گردند. (۲۳)

با این توضیحات تقابل فرهنگ اسلامی و هویت دینی با فرهنگ غربی روشن می‌گردد. اما عوامل تقویت و تضعیف هویت دینی و پیامدهای آن، از جمله مباحثی است که در شماره دیگر، به آن پرداخته خواهد شد. ان شاء الله.

پی نوشت‌ها:

- ۱- «مارشال مک لوهان» جامعه شناس کانادایی که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته بود، فرضیه دهکده جهانی را مطرح کرد. او معتقد است به جهت پیشرفت دایره ارتباطات تمام دنیا حکم یک دهکده را پیدا خواهد کرد.
- ۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۵.
- ۳- دائرة المعارف علوم اجتماعی، دکتر ساروخانی، سازمان انتشارات کیهان، تهران، پاییز ۱۳۷۰، ص ۳۴۲.
- ۴- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷؛ بانلدکی تلخیص.
- ۵- «وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ» بروج (۸۵)، آیه ۲.
- ۶- سیمای فرزندگان، ج ۳، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۶۶، ص ۳۸۰.
- ۷- فرقان (۲۵)، آیه ۶۳.
- ۸- حضرت امام خمینی (ره) از دیدگاه رهبری، مؤسسه قدر ولایت، مشهد آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۸، ص ۲۸.
- ۹- برای رعایت اختصار، فقط به تبیین یک شاخصه بسنده می‌شود.
- ۱۰- پاسدار اسلام، ش ۱۲۹، ص ۱۶، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۱- آمریکا از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۲۱ و ۳۲۳، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بهار ۱۳۷۸.
- ۱۲- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۱۹.
- ۱۳- بروج (۸۵)، آیه ۸.
- ۱۴- جمهوری اسلامی، خرداد ماه ۷۱، ویژه نامه سومین سالگرد امام خمینی (ره)، ص ۵.
- ۱۵- ر.ک. خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی، ص ۵۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، پاییز ۱۳۷۷.
- ۱۶- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۹۳.
- ۱۷- همان، ج ۱۱، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.
- ۱۸- دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۳، مؤسسه نشر تحقیقات ذکر، بهار ۱۳۷۴.
- ۱۹- همان، ص ۲۷.
- ۲۰- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰.
- ۲۱- دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۴۲.
- ۲۲- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۳۸۲.
- ۲۳- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۵۳، نشر صدرا، سال ۱۳۵۹.